

بدی میل طبعم به سوی کتاب  
 نمودی تأمل ز هر فصل و باب  
 به خواندن دل و جان برافروختی  
 همی وام داندگی توختی  
 چنین تا ز شهنامه شد بهره مند  
 ندیدم بر آن گونه شعری بلند  
 .....  
 ولیکن تبه گشته از روزگار  
 چو تخلیط رفته در او بی شمار  
 ز سهو نویسندگان سر به سر  
 شده کار آن نامه زیر و زبر  
 ز دست بدان نیک شوریده حال  
 گذشته بر آن نامه بسیار سال  
 نبوده کسی را به تنقیح آن  
 هوایی شده نامه شوریده زان  
 .....  
 مروّت ندیدم که آن داستان  
 کزی یابد از جهل ناراستان  
 ز بهر روانش در این کار جهد  
 نمودم بر آن بست توفیق عهد  
 بسی دفتر شاهنامه به کف  
 گرفتم ز دانش چو دُرّ از صدف  
 برون آوردم یکی زان میان  
 در او شد سخنها لطیف و عیان  
 به شش بار بیور سخن شد پدید  
 که در اول آن بر سخن گسترید  
 در این کار شش سال گشت اسپری  
 که دَرّی شد آن پاک دَرّی  
 این چند بیت برگزیده از سرآغاز ظفرنامه حمدالله  
 مستوفی، گزارش نخستین کار به اصطلاح «مقابله و  
 تصحیح» شاهنامه در تاریخ دانش شاهنامه شناسی  
 است و حمد مستوفی قزوینی (وفات: حدود ۷۵۰ هـ. ق.)  
 سلسله جنبان بررسی و پژوهش متن نامه نامور است که  
 با کوشش شش ساله و جستار در پتجاه نسخه  
 ناتندرست شاهکار استاد توس، عنوان گران ارج «اولین  
 شاهنامه پژوه ایرانی» را ویژه خویش کرده است. پس از  
 این دانشی مرد ایرانی، (ای. جی. هاگمن /  
 E. J. Hegemann) نخستین فرهنگ پروری بود که در  
 سال (۱۸۰۱ م) در شهر گوتینگن آلمان به چاپ  
 گزیده‌ای از شاهنامه در ۳۲ صفحه دست یازید که

نتیجه اقدام وی زیر نام شاهنامه در اروپا منتشر شد<sup>۱</sup> و  
 آغازگر چاپ و نشر شاهنامه در روزگار معاصر گردید.  
 سپس (میثولامسدن / Mathew Lumsden) انگلیسی در  
 دانش سرای (فورویلیام) کلکته، جلد نخست شاهنامه را  
 در (۱۸۱۱ م) به چاپ رساند که اولین چاپ جدی متن  
 حماسه ملی ایران در جهان به شمار می‌رود ولی به  
 جهت ناتمام بودن این کار، دوره چهارجلدی  
 (ترنوماکان / Tamer Macan) انگلیسی که در (۱۸۲۹ م)  
 در کلکته منتشر شد، پیش‌رو تاریخ چاپ کامل متن  
 شاهنامه در گیتی است.<sup>۲</sup> اما در خاستگاه فردوسی و  
 شاهنامه، ایران زمین، پیشینه چاپ بهین نامه باستان  
 به نیمه دوم سده سیزده قمری می‌رسد و شاهنامه‌های  
 معروف به: امیر بهادری، محمد مهدی اصفهانی و حاجی  
 عبدالحمید به صورت چاپ سنگی یادگارهایی از آن  
 دوران است. بعد از این طلایه‌داران با پیشرفت دانش و  
 بهبود وسایل چاپ و نشر و هم‌چنین علمی‌تر شدن  
 تدریس و تحقیق ادبیات پارسی و در نتیجه  
 روی‌کردهای بیشتر و اصولی‌تر به شاهنامه، چاپ  
 شاهنامه در ایران از هر دو دیدگاه کمی و کیفی روندی  
 فرازجوی داشته است که یادکرد دقیق همه این چاپها  
 نیازمند تنظیم کتاب‌شناسی جامع فردوسی است. بر  
 همین بنیاد یکوتاهی و کلی این شاهنامه‌ها را می‌توان  
 نام برد: شاهنامه محمد رضانی چاپ کلاله خاور،  
 شاهنامه چاپ کتابخانه یهودا بروخیم، شاهنامه دکتر  
 محمد دبیر سیاقی، شاهنامه امیرکبیر، شاهنامه دکتر  
 محمدجعفر محبوب، چاپ عکسی نسخه باسنقری،  
 شاهنامه چاپ موسسه خاور، شاهنامه ژول مول،  
 شاهنامه چاپ مسکو، داستانهای رستم و سهراب،  
 سیاوش و فرود از تصحیحات بنیاد شاهنامه، چاپ  
 عکسی نسخه فلورانس، شاهنامه نسخه بریتانیا،  
 شاهنامه فلورانس (با گزارش و مقابله با چند نسخه و  
 چاپ) شاهنامه دکتر قریب و بهبودی، شاهنامه پرویز  
 اتابکی و شاهنامه حمدالله مستوفی در پیوست  
 ظفرنامه. نیازی به گفتن ندارد که هر یک از این چاپها  
 به سبب آرمان نیک خدمت به فرهنگ و ادب دیرسال  
 ایران زمین و یساری‌رسانی به پژوهشهای  
 شاهنامه‌شناختی، کوششی ستوده و سودمند است ولی  
 حتی خود مصححان و فراهم‌آوردندگان آثار مذکور نیز  
 این حقیقت علمی را می‌پذیرند که تمام این تلاشها را  
 نمی‌توان با یک سنجه سنجید و هم برو یکسان  
 انگاشت. به سخنی دیگر: اگر هزار سال پیش  
 دهقان‌زاده دانشور توس با همتی رستمی (حماسه‌ای)  
 به معنی دقیق و اصطلاحی واژه پی‌افکنند که برترین  
 حماسه ادبی نوع بشر است. پس از وی و در گستره

فعالیت‌های مربوط به تصحیح و تحقیق متن شاهنامه،  
 سه بزرگ مرد فرهیخته حماسه‌پژوه حماسه‌ساز به  
 معنی شناخته و امروزین کلمه بوده‌اند: شادروان  
 فریتز ولف آلمانی با پژوهش بیست ساله برای تألیف  
 فرهنگ سترگ بسامدی شاهنامه، مرحوم ژول مول  
 فرانسوی با چهل سال کار بر روی تصحیح و ترجمه  
 شاهنامه و سرانجام دکتر جلال خالقی مطلق ایرانی  
 ساکن آلمان با کوشش نزدیک به سی سال برای  
 تصحیح و تحقیق شاهنامه که به باور نگارنده این بیت  
 بر ساخته بازبرده به استاد توس در لباب‌اللباب  
 می‌تواند سخن دل ایشان باشد که در این چند دهه:  
 بسی رنج بردم بسی نامه خواندم

ز گفتار تازی و از پهلوانی

اگر روزگاری محمود و وابستگان ژاژخای او ارج  
 حماسه پیر توس را شناختند، امروز هر ایرانی و ایرانی  
 ادب دوست و فرهنگ‌پژوه ارزش گران و عظمت حماسه  
 دکتر خالقی مطلق را از ژرفای دل آفرین می‌گوید و  
 بزرگ می‌دارد. دکتر خالقی را بحق باید «تیمت میدان  
 تصحیح شاهنامه» خواند چون به همان سان که خود  
 گفته‌اند کار تصحیح نامه نامور ایران هفت خان پر دیو و  
 اژدهایی است که گذر از آن را رستمی دیگر باید.<sup>۳</sup>  
 ایشان بتنهایی و بدون کمترین پشتیبانی کسی یا نهاد و  
 مؤسسه‌ای با شور برخاسته از مهر ایران و شاهنامه،  
 عکس و میکروفیلم ۴۵ نسخه کهن تر و معتبرتر از میان  
 بیش از هزار دست‌نوشته پراکنده شاهنامه در  
 کتابخانه‌های جهان را گردآورده و پس از بررسی ژرف  
 آنها پانزده نسخه را به عنوان اساس کار خویش قرار  
 داده‌اند که دوازده دست‌نویس اصلی و سه نسخه فرعی  
 است و در صدر آنها کهن‌ترین دست‌نوشته شاهنامه،  
 فلورانس (۶۱۴ هـ. ق.) دیده می‌شود که برای نخستین  
 بار در تصحیح علمی حماسه ملی ایران به کار گرفته  
 شده است. دکتر خالقی افزون بر بهره‌گیری از مقابله  
 نسخ معتبر از اطلاعات گسترده خویش نیز که شامل  
 تقریباً تمام دانشها و آگاهیهای لازم برای یک  
 «شاهنامه‌شناس» و «شاهنامه‌شناسی» است سود  
 جسته‌اند و هر واژه و مصراع و بیت از تصحیح خود را  
 پس از تأمل و مطالعه و بررسی دقیق به متن برده‌اند. در  
 عین حال نسخه‌های بدل‌های مربوط را نیز با دقت کافی در  
 حاشیه هر صفحه آورده‌اند تا زمینه برای ژرف‌نگری  
 محققان و منتقدان فراهم باشد و این خود از برتریهای  
 علمی کار ایشان است. شیوه‌ای که استاد در تصحیح  
 شاهنامه به کار برده‌اند، اصطلاحاً «انتقادی» خوانده  
 می‌شود و چنان که خود در آخرین مصاحبه‌شان بیان  
 کرده‌اند این روش را از مطالعه تصحیحات انتقادی غرب

سجاد آیدنلو

# از حماسه تا حماسه

بویژه متون آلمانی و سنجش آنها با متون و خط پارسی حاصل کرده‌اند.<sup>۴</sup> در تصحیح دکتر خالقی ریخت درست و اصیل بسیاری از واژگان و بیت‌های شاهنامه که فردوسی وار یا نزدیک به سیاق سخن اوست، آمده. برای نمونه مشهور که مورد اشاره دکتر محمد امین ریاحی نیز بوده است،<sup>۵</sup> بیت:

میازار موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است  
را می توان ذکر کرد که در چاپ خالقی براساس نسخه فلورانس به صورت اصیل و کهنه:

مکش مورکی را که روزی کش است

که او نیز جان دارد و جان خوش است<sup>۶</sup>  
آمده است، یا اعراب‌گذاری‌های دقیق واژه‌هایی چون «سُخَن»، «دُدیگر» و نام‌های ویژه برای خواندن درست و شاهنامه‌ای آنها. هم‌چنین بیتها و روایات الحاقی و منسوب به فردوسی که شماری از آنها در شاهنامه‌های پیش از چاپ ایشان از فردوسی دانسته شده، به حاشیه صفحات برده شده است که البته دلایل برافزوده بودن آنها یا بیشتر در مقاله‌های استاد بررسی شده و یا این که در دو دفتر یادداشتها که به پیوسته دفترهای متن مصحح، منتشر می‌شود خواهد آمد. نخستین بار دفتر یکم تصحیح ایشان در سال ۱۳۶۶ به پایمردی دکتر احسان یارشاطر در آمریکا به چاپ رسید و اکنون از مجموعه هشت جلدی متن، دفتر پنجم منتشر شده و جلد ششم زیر چاپ است و به گفته خود مصحح، دو دفتر دیگر نیز تا دو سال آینده به زور طبع آراسته خواهد شد.<sup>۷</sup> اما نکته مهم و افسوس‌انگیز - و انگیزه بنیادین یادداشت حاضر - این است که اگر زمانی کاستی و کمبود ادب پارسی نبود پژوهندگان و مصححان علمی و توانای ایرانی بود و بیشتر منابع فرهنگ و ادب پرمایه ما از جانب ایران‌شناسان ایرانی تصحیح می‌شد



و فراهم می‌آمد. امروز که همانند دکتر خالقی مطلق با همتهای مردانه خویش این مفاک را آکنده و افزاشته‌اند چرا باید ثمره کوششهای جاویدان ایشان در خارج از ایران چاپ و منتشر شود و از دسترس صاحبان اصلی و جویندگان واقعی این آثار بدور ماند؟ از دفترهای شاهنامه خالقی تا هنگام نگارش این یادداشت، در ایران جلد‌های اول و دوم و ضمیمه دفتر نخست با شمارگانی بسیار اندک آن هم سالها پیش به شیوه افسست چاپ شده که با بودن قیدهای «منحصراً برای اهل تحقیق عرضه شود» و «مخصوص بررسی و انتقاد محققان ایرانی» در صفحه شناسنامه آنها، در حال حاضر حتی برای شاهنامه پژوهان ایران نیز دشوار یاب و در شهرستانها غیرقابل دسترس است. این موضوع با التفات به اصل بسیار مهم و معتبر «پیوستگی ارزش علمی هر پژوهش متن‌شناختی با میزان اعتبار علمی - انتقادی متن مورد بررسی» از کاستیهای بزرگ و اثرگذار عرصه چاپ و نشر ایران است. بویژه که در نظر بگیریم از سال ۲۶ تا پایان نیمه نخست ۲۹ شاهنامه‌های چاپ مسکو و تصحیح ژول مول ۲۱ بار - که در مواردی چاپ هشتم و دهم است - از جانب ناشران مختلف منتشر شده است.<sup>۸</sup> این در حالی است که دکتر خالقی مطلق در مصاحبه خود درباره شاهنامه‌شان گفته‌اند: «اسمیدوارم روزی در ایران هم به صورت چاپ عکسی (افست) بیرون بیاید و ناشر آمریکایی با یک ناشر ایرانی موافقت کند تا چاپ و ادامه آن در ایران میسر شود». پس چه نیکو و شایسته است که چند تن از ناشرانی که چاپ شاهنامه - نسخه مسکو و ژول مول و غیره - را در برنامه آینده خود دارند به هم پشتی و یاری یکدیگر و به گونه مشترک به جای آن باز چاپها، هزینه‌ها و شرایط نشر دفترهای آماده و سامان یافته خالقی را فراهم کنند و پس از دریافت اجازه از ناشر آن در آمریکا، مصحح و دکتر یارشاطر، شناختنامه ایران را در داخل ایران به بیشترین شمار و بهترین هیأت مقدور چاپ کنند. این اقدام اگر درباره انتشاراتی‌های شخصی در حکم پیشنهاد باشد برای نهادهای فرهنگی - ادبی دولتی مانند: فرهنگستان زبان و ادب پارسی و پژوهشگاه علوم انسانی چونان خویشکاری در بایست ادبی است و «باید» و «الزاماً» در برنامه پژوهشی - انتشاراتی آنها قرار بگیرد. عدم روی‌کرد درخور و جدی به چاپ شاهنامه خالقی در ایران، تکرار داستان بی‌عناایتی محمود به حماسه سی‌ساله فرزانه توس است با این تفاوت که هزار سال پیش، محمود و محمودیان انیرانی و بیگانه قدر شاهکار استاد را ندانستند و اکنون، فردوسی نژادان ایرانی حماسه فرزند نشان از پدر برده

فردوسی<sup>۹</sup> را از دیده به دور داشته‌اند. البته، جز از (حماسه دکتر خالقی) که خوشبختانه در آمریکا با دقت بسیار و ظاهری سزاوار چاپ می‌شود، تصحیح دوازده‌ساله شاهنامه پژوه ایرانی ساکن ایران، مهندس مصطفی جیحونی اصفهانی، را نیز نباید نادیده گرفت که گویا کوشش شایان ستایش ایشان هم مستلزم توجه بجد ناشران است. چرا که به استناد اظهار اومیدواری خود آقای جیحونی، مجلدات چهارگانه آن باید در شش ماهه اول سال ۲۹ عرضه می‌شد.<sup>۱۰</sup> که چنین نشد.

شاهنامه شناسنامه مستند و جهانی سرزمین اهورایی ایران و مردمان نیک‌سگال آن است و باید پس از قرآن عظیم، بیشترین و نیکوترین چاپهای تصحیحات علمی - انتقادی از گونه حماسه‌های دکتر خالقی مطلق را ویژه خود کند تا کارنامه درخشان نیاکانی هرچه علمی‌تر و نزدیک‌تر به اصل بازخوانی و بهره‌یابی شود و در ذهن و ضمیر زادگان آزدگان ایران نقش بندد. چنین باد.

#### پی‌نوشتها:

- ۱- قریب، مهدی: مقدمه‌ای بر شاهنامه، بازخوانی شاهنامه، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۶۹، ص ۴۲.
- ۲- مقدمه دکتر محمدامین ریاحی بر چاپ ژول مول، انتشارات سخن، چاپ چهارم ۱۳۷۳، ص ۲۴.
- ۳- معرفتی سه قطعه الحاقی در شاهنامه، مجله ایران‌شناسی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۸، ص ۶۸۹.
- ۴- گفتگوی سیدمسعود رضوی با دکتر خالقی مطلق در سمینار ایران‌شناسی (پاریس، سپتامبر ۱۹۹۹): همشهری، شماره ۲۱۶۷ و ۲۱۶۸، ۲۶ و ۲۷ تیر ۲۹، ص ۱۰.
- ۵- فردوسی، طرح نو، ۱۳۷۵، صص ۳۴۲ و ۳۴۳.
- ۶- شاهنامه خالقی، دفتر یکم، ص ۱۲۰، بیت ۵۰۱، لازم به توضیح است که این بیت در فراندالسلوک با ثبوت مصراع دوم به صورت اصلی و دگرگونی پاره نخست به گونه‌ای که معروف است، آمده و سپستر با تغییر مصراع اول در قاصده ۴۶ ساله فرزند و بوستان شیخ، به صورتی که امروزه بر سر زبان است از سوی سعدی تضمین شده است، رک: خالقی مطلق، جلال: نفوذ بوستان در برخی از دست‌نویسهای شاهنامه، ایران‌نامه، ۱۳۶۴، شماره ۴، صص ۶۲۴-۶۲۶ و هم او: اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه، ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۳۴۰.
- ۷- رک: پی‌نوشت شماره (۴).
- ۸- آمار از بررسی نمایه کتابهای منتشر شده هر ماه در شماره‌های (۱-۳۵) کتاب ماه (ادبیات و فلسفه) به دست آمده است.
- ۹- پرس کو ندارد نشان از پدر  
تو بیگانه خوان و مغوانش بر
- ۱۰- رک: گفتگوی اختصاصی پژوهشگر برگزیده فرهنگی کشور، آقای مصطفی جیحونی با کتاب هفته: کتاب هفته، شماره ۳۱۳، سی‌ام آذر ۷۸، ص ۶.

## سخنی با ناشران درباره چاپ شاهنامه